



۲۰۲۰/۱۲/۱۶



اختر محمد یوسفی

افغانستان یک لابر توار سوخته و سیاست ناکام است!

افغانستان چگونه در پنج دهه اخیر بحیث لابر اتوار تقابل افکار بیگانگان قرار گرفت؟

رقابتهای قدرت های بزرگ جهانی در طی سالهای ۱۹۶۰ میلادی به اوج خود رسیده بود، این اوجگیری رقابت های بین المللی شرق و غرب در اسیا و افغانستان نیز بی اثر نبود. در دهه شصت میلادی قانون اساسی جدید افغانستان تصویب گردید، در ماده (۴۲) قانون اساسی جدید افغانستان از آزادی مطبوعات و تشکیل احزاب سیاسی یاد گردیده بود، این سالها را در کشور بنام دهه دیموکراسی در افغانستان نیز یاد می کند، مگر قانون احزاب در قانون اساسی از آن ذکر بعمل آمده بود تصویب نگردید. هسته سیاسی های افکار راستگرا توسط جوانان «مسلمان» و افکار چپگرا توسط جریان دموکراتیک خلق پیروی خط شوروی و جریان شعله جاوید پیروی خط چین به فعالیت آغاز کرده بودند. در قطار افکار چپ و راست تیپ های متعدد ناسیونالیستی و لیبرالها نیز به فعالیتهای سیاسی خود در افغانستان آغاز کردند.

موج هیاهوی فعالیتهای سیاسی حلقات متضاد و متعدد دهه شصت میلادی در افغانستان آغاز گردید، دیر نگذشته بود که تلاشهای دشمنان خارجی مردم افغانستان و شبکه های استخباراتی دشمن در حلقات سیاسی افغانستان نفوذ نمودند. حلقات سیاسی نوپا در افغانستان نتوانستند بر اساس محور مشترک ملی برای اجرای وظایف ملی خویش در افغانستان تمرکز نمایند. حلقات سیاسی متضاد در افغانستان اختلافات ایدئولوژیک و وظایف جنگ بیگانگان را در پیش گرفتند. اشتباهات حلقات سیاسی افغانستان و عملکرد آنان بوضاحت خیانت ملی است. کاپی کردن و نادیده گرفتن وظایف انکشاف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملی میهن بود، که حلقات متعدد سیاسی افغانستان وظایف ملی خود را مقدم نه شمردند.

حلقات متضاد سیاسی در افغانستان طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی وظایف و اهداف ملی را به خصومت های ایدئولوژیک و دشمنی علیه یک دیگر مبدل ساختند. در پیشبرد این خصومت ها در بین حلقات سیاسی افغانستان نقش استخبارات بیرونی رقابت های بین المللی که سلاحهای گرم خود را علیه یکدیگر نشانه گرفته بودند مشهود است. با سقوط نظامی شاهی در افغانستان و وقوع کودتا سال ۱۹۷۳ میلادی با نشان دادن چراغ سبز غرب، پاکستان، ایران و اعراب عملاً به حمایت و کمک تندروان «اسلامی» در افغانستان شتافتند.

در چنین اوضاع و احوال مقابله و جنگ بیگانگان در افغانستان بدون در نظر دشت نیارمندیهای داخلی کشور پیشبرد اهداف ملی کشور که در تعیین سرنوشت ملت افغان نقش اساسی و تعیین کننده دارد نادیده گرفته شده است، اعمال حلقات متضاد سیاسی افغانستان با اسناد انکار ناپذیر ثبت گردیده است. عملکرد حلقات سیاسی متضاد در افغانستان کاملاً به

ضرر منافع ملی کشور عمل کرده اند. حلقات سیاسی در موضعگیری متضاد و ضد منافع ملی دست خوش دو عامل تباه کن توطیه های رقابت بین المللی بیرونی شدند. پله کارتها و اشعارهای را که حلقات سیاسی طرفین در جنگ افغانستان حمل می نمودند از بیگانگان برای اهداف بیگانگان بوده است. هر دو طرف جنگ در افغانستان بر ضد منافع ملی کشور عمل نمودند و کشور را کاملاً هولناک ویران نموده اند.

***- عامل نخست تسریع کننده جنگ و ویرانی در افغانستان آن بود که جنگ سرد رقابتی قدرتهای بین المللی، در بین ایالات متحده امریکا با اتحاد جماهیر شوروی، بعد هشت سال از شکست ایالات متحده امریکا در ویتنام، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا دوباره جنگ گرم را در بین خویش آغاز کردند. افغانستان بحیث کشور کوهستانی محاط به خشکه با اقتصاد ضعیف نقطه تقاطع و مقابله ایالات متحده امریکا با اتحاد جماهیر شوروی انتخاب گردیده بود.**

***- فکتور دوم بیرونی تسریع کننده مؤثریت در جنگ افغانستان منافع و دشمنی همسایه های افغانستان عبارت از پاکستان و ایران بر ضد افغانستان بود، پاکستان و ایران به کمک کشورهای غربی و اعراب توانستند با استفاده از این فرصت رقابت قدرتهای بین المللی، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا در افغانستان وارد میدان جنگ علیه افغانستان شدند.**

***- موج هیاهوی فعالیتهای حلقات سیاسی در افغانستان با سقوط نظام شاهی و تأسیس جمهوریت در کودتای سال ۱۹۷۳ میلادی خاموش گردید. رقابت های قدرتهای بین المللی و خاموشی امواج فعالیتهای حلقات سیاسی در افغانستان باعث بروز انفجار قیام افسران نظامی ح. د. خ. ا. در بیست هفتم اپریل سال ۱۹۷۸ میلادی گردید، که منجر به تجاوز نظامی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان شده است. در جنگ مقابله قدرت های بین المللی دو سیستم رقابتی حلقات متضاد سیاسی طرفین در افغانستان به آله دست جنگ بیگانگان چون اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا تبدیل گردیدند.**

***- با تأسیس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و حضور قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در کشور ایالات متحده امریکا و متحدین غربی آنرا تصمیم گرفتند که به کمک کشور های همسایه افغانستان اعم از پاکستان، ایران، اعراب**



«ضیاء نصری خان» ۳۴، ساله، امر عملیات: «شورای «صحبت» شینگل با ویلی برانت»، «تشنج زدانی پیش برده می شود.» «افغانستان: انجام یک خیال باطل»، «کارتز روسها متوقف خواهد ساخت»

Gefangene der Islam-Rebellen bei Kandahar: Anschluß an den Gottesstaat
(«اسیران شورشیان - اسلامی در حوالی قندهار، شینگل شماره ۳، ۱۹۸۰م»)

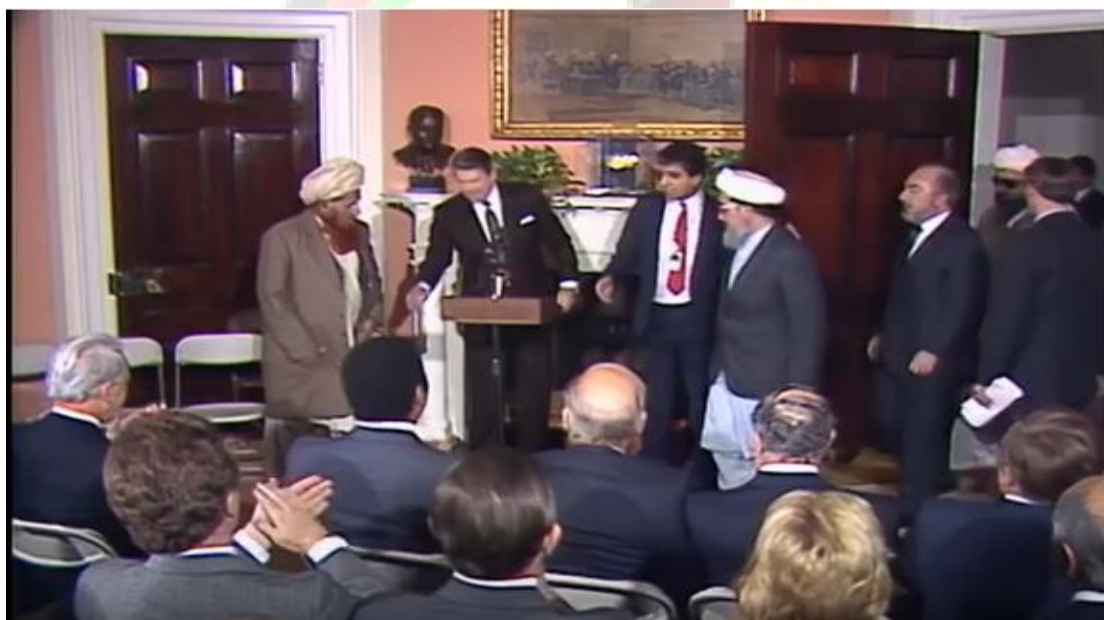
علیه اتحاد جماهیر شوروی جنگ را در افغانستان تسریع نمودند، بر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان که حمایت اتحاد جماهیر شوروی برخوردار بودند، مگر به آنکه دولت کمونیستی هم نبود بخاطر تحریک مسلمانان که "اسلام" در افغانستان در "خطر" است بر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مهر دولت کمونیستی را زدند. در عکس فوق بر اساس راپور مستند مجله شپیگل المان دیده میشود شورشیان که از حمایت مستقیم مالی و سلاحهای ایالات متحده امریکا و کشورهای متمدن غربی و اعراب مست پول پطرو دالر تیل برخوردار هستند، معلمان مظلوم و مسلمان مکاتب افغانستان را در بهار سال ۱۹۸۰ میلادی در قندهار بنام کمونیست میکوشند.

***- جنگ ایالات متحده امریکا با اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان که به کمک کشورهای همسایه افغانستان اعم از پاکستان، ایران، اعراب دوام داشت سر انجام بعد از نه سال جنگ، نظام سوسیالیستی در اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشید. قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ میلادی از افغانستان خارج گردید. حکومت داکتر نجیب الله با همکاری با شکست پلان صلح پنج فقره یی سازمان ملل متحد در افغانستان در ماه اپریل سال ۱۹۹۲ میلادی سقوط نمود. آتش جنگ و کشتن مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان بشمول قتل داکتر نجیب الله توسط پاکستان و طالبان توقف نمود، تداوم جنگ در افغانستان را طوریکه ایالات متحده امریکا و متحدین غربی آن بکمک همسایه های افغانستان بهانه حضور قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی و مهر زدن کمونیستی بر دولت افغانستان را تبلیغ مینمودند نادرست ثابت گردید. شعارهای ریکلام و فریبنده تنظیمهای «جهادی» و طالبان که از حمایت القاعده و سایر تروریستان بین المللی، و تروریسم دولتی کشورهای منطقه برخوردار اند، گویا «اسلام» و تمامیت ارضی افغانستان در «خطر» است، ادعای های پوچ بیش نبوده و نیست. با ایجاد «دولت» تنظیمهای «جهادی» در افغانستان در طی سه دهه جنگ و خونری همراه با غارت داراییهای عامه دولتی و اشخاص در روز روشن توسط اراکین «دولتی» تنظیمهای «جهادی» و طالبان تحت حمایت خارجیها در مجموع همان یک طیف همگون تنظیمهای «جهادی» اند تا اکنون جنگ را در کشور ادامه میدهند. تنظیمهای «جهادی» و طالبان مشغول قتل عام مردم بیگناه ملکی، تخریب تمام تاسیسات عام المنفعه، فساد سرسام آور و چپاول داراییهای دولتی و اشخاص هستند که تا هنوز هم بشدت شرم آور آن نر افغانستان ادامه دارد.**

***- با سقوط حکومت طالبان و تدویر کنفرانس «صلح» بن المان در زمستان ۲۰۰۱ میلادی توویر گردیده بود، باز هم جنگهای وحشتناک در افغانستان بحیث فکتور نابودی کشور ادامه دارد. در شیوه مذاکرات تیاتر «صلح» دوحه که در بین طالبان متحد القاعده و پاکستان با «دولت» فاسد تنظیمهای «جهادی» جنگ در افغانستان جریان دارد. طرف واقعی «صلح» ملی در مذاکرات دوحه وجود ندارد، بلکه جنگ طلبان مدعی قدرت نا مشروع «دولتی» خونریزی در کشور را برای نابودی افغانستان دوام میدهند. عمال بیگانه جنگ همان یک طیف همگون «جهادی» اند، که در طی سی سال اخیر می جنگند. در تدویر کنفرانس بن صرف نظر از نواقص نسخه پلان ساختار دولت در افغانستان مبنی بر حضور اقوام و مذاهب حلقات جنگی در "دولت" آینده افغانستان که توسط کمپنی ریسرچ امریکایی برنارد روبین بدون تصادیق علمی در عمل با عجله نادرست تدوین گردیده بود قابل یاد آوری است. نسخه ناقص روبین در کنفرانس بن نیز در تداوم جنگ در افغانستان بی اثر نبوده است. من در در خزان سال ۲۰۰۱ میلادی اعتراض خود را در مورد ریسرچ غیر علمی روبین که متکی بر راپورهای خبری ژورنالیستی بود، نوشته بودم که متاسفانه هیچکسی به اعتراض من در همان وقت گوش ندادند.**

*- یکی از علل بیرونی عمده ناکامی کنفرانس بن المان در سال ۲۰۰۱ میلادی در مورد افغانستان را در وجود نظریات و شیوه برخورد دوگانه تیوری های مشاورین لیبرال ایالات متحده امریکا و متحدین اروپا غربی افغان تبار جستجو کرد. مشاورین امریکایی - افغان تبار (زلمی خلیلزاد و اشرف غنی)، که قبل از جنگ در نیورسیتی امریکایی بیروت تحصیلات خود را به پایان رسانده بودند، در طی چهار دهه جنگ افغانستان را از نزدیک با دولت امریکا بحیث مشاورین با صلاحیت های آسمانی را رهبری نموده اند. مشاورین امریکایی و اروپایی افغان تبار از خصوصیات جامعه و مردم افغانستان آگاهی لازم را نداشته و تا هنوز ندارند، مگر جنگ امریکا و غرب را در افغانستان را رهبری نموده اند. مشکل از جای آغاز گردیده است که نظریات و طرز دید مشاورین امریکایی-افغان تبار با نظرات و طرز دید لیبرالهای گونه اروپایی چون رنگین دادفر سینتا متفاوت و متضاد است. چون رنگین سینتا عضو حزب سبزها که در وقت مذاکرات بن که حزب سبزها متحدین دولت حزب سوسیال دمکرات المان بود. رنگین سینتا برای مشوره با حامد کرزی داخل حکومت افغانستان گردیده است. حاجت به تفسیر در این نوشته مختصر نیست، علاقمندان می توانند از لابلای مصاحبه مشترک زلمی خلیلزاد و رنگین سینتا با تلویزیون طلوع و کتب که را زلمی خلیلزاد و رنگین سینتا نشر نموده اند، حقایق و عاملان فاجعه افغانستان را درست ببیند.

https://youtu.be/_aqεXalp^Ds



در عکس رنگین سپنتا حین دستبوسی حضرت مجددی، حامد کرزی حین نصب مدال به سینه جنایتکار متجاوز جنسی رنگین دادفر سپنتا در جوانی خود را با اندیشه مأویستی بوده و بیشترین سالهای زندگی خویش را در المان سپری نموده است. سپنتا با بسیار زنگی با افکار منحط راسیستی خویش توانسته که باعث ناکامی سیاست غرب در افغانستان شود. حامد کرزی حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان بحد شیفته نظرات راسیستی رنگین دادفر سپنتا شده بود که با وجود رد رنگین سپنتا در پست وزارت خارجه توسط پارلمان افغانستان بازهم رنگین دادفر سپنتا را با امرغیرقانونی کرزی به وظیفه در وزارت خارجه افغانستان ادامه داد. سپنتا در پست وزارت خارجه و امنیت ملی افغانستان توانست که حامد کرزی را بر ضد سیاست امریکا در افغانستان تحریک و مورد استفاده قرار دهد. مخالفت رئیس جمهور کرزی متکی بر نظرات راسیستی رنگین سپنتا ضدیت با سیاست امریکا در افغانستان بود که باعث نزدیکی شدن حامد با سیاستهای راسیسم و جهتگیری افراطیت «جهادی» گردیده، تا زمینه فعالیت‌های مجدد طالبان فراهم گردید. موضعگیری ضد امریکایی حامد کرزی، برای کشور و متحدین خارجی آن پرابلمای جدی را ایجاد نموده است.

مشکل اساسی دولت امریکا و دولتهای اروپایی بشمول ناتو در افغانستان در این نهفته است که مشاورین و همکاران افغان تبار، شان که صرف در افغانستان تولد شده بودند، در خارج تحصیل و کارنموده اند، در مورد افغانستان و مردم آن معلومات لازم را ندارند، توظیف ساخته اند.

مسئله جالب اینست که با وجود ناکامی علنی سیاست غرب در افغانستان، دولت امریکا و کشورهای اروپایی ناتو تا هنوز هم با لافهای و دروغهای مشاورین و همکاران افغان تبار خویش باور دارند.

در فشارهای دیپلماتهای ایالات محته امریکا و غرب بالای اشرف غنی و عبدالله عبدالله، این تشنه گان قدرت و چوکی که در ظاهر پیشروی کامره تلویزیونها حاضر می شوند که به یک نام حکومت تشکیل میدهد، با محض دوری کامره تلویزیونها حکومت جداگانه از خود دارند که در عمل در یک کشور دو حکومت موازی را تشکیل داده اند.

بیسمارک در مورد اشتباهات سیاسی، سیاسیون دولت پروس نتیجه گیری عالی را انجام داده بود که با شرایط کنونی افغانستان مطابقت دارد. بیسمارک گفته که:

*- ممکن است اشکار شدن یک اشتباه سیاسی در پنجاه سال روشن شود، که عواقب نهانی آنرا در انجام تاریخ با



خود حمل کند، هر یک از اشتباهات محاسبه خود را می داشته باشد، عواقب اشتباهات سیاسی بمراتب دردناک تر است از دیوان محاسبات "پروسی" ما» اتوفون بیسمارک.

در زمان حاکمیت «دولتی» و جنک هر دو طرف جنگ که حمایت خارجیها را باخود داشتند، خلاف اصول و قوانین موضوعه کشور برضد طرف مقابل خویش چنان دشمنانانه و بیرحمانه عمل کردند که دیگر هیچ نوع پل اتصالی عقبی

را برای تفاهم مشترک ملی باقی نه گذاشتند. رهبران ح. د. خ. ا. که فریاد انقلاب و عدالت را سر میدادند، به انحرافات مأورای چپ چنان فرو رفت که دیگر راه برگشت از انحرافات خویش را نیافتند. رهبران ح. د. خ. ا. که در وقت حاکمیت یک حزبی خویش نظام توتالیتر را بحد تقویت نمودند که بهترین دوستان و نیروهای تحولات دموکراتیک خود را هم به زندانها انداختند و سر به نیست کردند. فرموده زیر گفته فیلد مارشال رومل برای جنگ در مورد جنگ ایدیولوژیک در افغانستان کاملاً صدق می کند که گفته است.

« در جنگ آیدیولوژیک کسانی که یکی دیگری خود را به قتل می رساند، یکدیگر خود را هیچ نمی شناسند، آنهم به امر کسانی که یکدیگر خور را می شناسند، لیکن یکدیگر خود را نمی کشند. » طرف مقابل که شعار های «اسلام»، «آزادی»، «جهاد»، «تمامیت» اراضی افغانستان را حمل میکردند، بفرمان دشمن عملاً تمامیت کشور به خطر انداختند. پاکستان در موجودیت نظامی امریکا و ناتو در افغانستان کیلو مترها خاک ما را داخل کشور قبضه نمودند، و دیوار سیم خاردار خود در قلب افغانستان اعمار نمودند.

عمال کسانی که شعارهای «اسلام»، «آزادی» و «جهاد» را بدست داشتند با همراهی حلقهات اقرطی «مذهبی» عرب، پاکستان، ایران مخالف تمام اساسات دین اسلام در افغانستان عمل می کنند. طالبان و پاکستان همیشه کاذبانه از موجودیت

Thursday, 22 November, 2001, 13:16 GMT

Sunday, 23 December, 2001, 10:30 GMT

Meeting Taliban's foreign fighters Analysis: Al-Qaeda threat lives on



Foreign Taliban fighters are thought to number more than 10,000

Capturing fighters 'does not smash the terror networks'

(« دیدار جنگی های خارجی طالبان»، جنگی های خارجی طالب، فکر می شود که اضافه از ۱۰۰۰۰ (ده هزار) باشد»، ۲۲ نومبر ۲۰۰۱م)

(تحلیل: خطر القاعده زنده است»، «گرفتاری جنگیها»، «شبکه ترور را نابود نمی کند»، یکشنبه ۲۳ دسمبر ۲۰۰۱م)

و نقش القاعده و تندروان افراطی "مذهبی" اسلامی انکار می نمودند تا اکنون نیز منکر حضور القاعده در جنگ هستند.



پاکستان و رهبران تنظیمی "جهادی" افغان بشمول برهان الدین ربانی که در ظاهر امر خود را متحدین علمیات ضد تروریسم میدانستند، دهقانان افغان مسلمان عادی صفوف طالبان را که لحاظ فکری و عقاید با رهبران القاعده طابان ارتباط نداشتند قاتل کردند، مگر در پس پرده شب روز در تلاش نمودند که جنگجویان القاعده را نجات دادند.

مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان این حقایق تلخ عملکرد طرفین را تجربه کردند. شعار میان تهی دوره های حاکمیت حلقهات متعدد متضاد سیاسی در افغانستان را باید به زباله دانی تاریخ بسپارید. در جنگ چهار دهه چیزی قابل تعریف

و افتخار بجز خیانت و سر افگندگی در مورد ادعاهای شعارهای کاذب انقلاب ملی دموکراتیک، "جهاد"، "آزادی" حلقات متضاد سیاسی افغانستان باقی نمانده است، که ملت افغان بتوانند بر اساس آن درمورد حلقات سیاسی گذشته افغانستان اعتماد کند. «دولت» و حلقات سیاسی نام نهاد که در دو دهه اخیر توسط خارجی ها در افغانستان ایجاد گردیده است ساختار های اساسی ملی نیستند، این تشکیلات بینظم فقط منابع اطلاعاتی رسانی اند که برای بیرونی ها بوجود آمده است، این حلقات بی بنیاد اجتماعی به هیچ صورت نمی تواند نیازمندیهای سیاسی و وظایف دولتی را در کشور جنگ زده افغانستان اجرا و نیازمندیهای افغانستان را مرفوع سازد.

کارل پوپر دانشمند و فلیسوف لیبرال مشهور قرن بیستم اطریشی - انگلیسی که خود در نوجوانی به سن (۱۷) هفده سالگی برای مدت کوتاه عضو حزب کمونیست بوده است نظرات عالمانه و بکر دارد، او میگوید که :

" آیدیولوژی ها، جز وعده های میان خالی، چیزی دیگر نیست. به آیدیولوژی ها نباید اعتماد کرد."

تماسهای کنونی و سر و صدا یونس قانونی و ملاقات وی با زلمی خلیزاد برای حکومت ائتلافی آینده با طالبان است. اساساً ادامه همان سیاستهای ناکام و مرکبار کنفرانس ناکام بن ۲۰۰۱ میلادی برای حکومت آینده افغانستان است.

پای.



د اختر محمد یوسفی د نورو لیکنو لپاره ، دلته کلپک وکړی